

نگاهی به کتاب «پرنده نوپرواز»

مجید آزادیخواه

۲۲ از رفقا رو زمانی که نوجوان بودم از نزدیک دیده بودم کاک اسماعیل و سحر رو، کاک اسماعیل یک دفعه به یکی از آشناهام گفت بود فلانی خانوم چند دفعه به شما بگم با چادر مشکی نیا بیرون بعنوان دختر مجاهد میگیرنت، کاک اسماعیل خیلی جدی بود. سحر مثل اون بود آروم و جدی. چند سال بعد بطور گذرا شنیدم که بچه ها آمل رو گرفته بودن و کشته شدن، هر موقه پادش می افتادم غم و افسوس دلم رو پر میکرد تا اینکه کتاب پرنده نو پرواز رو خوندم و از سطح بالای عملیات چه از نظر عقیدتی و چه از نظر نظامی شگفت زده شدم. رفقا زود شکست خوردن ولی سطح کارشون بالا بود برای قضاوت نسل بعد به ما یاد دادند که تاریخ رو مکتوب کنیم.

کتاب پرنده نوپرواز به درستی اول به تحلیل اوضاع وقت می پردازد و بعد راجع به سازمان و اختلاف نظرهایی که همیشه هست و در مورد تصمیمی که گرفته شد یعنی قیام مسلحانه. همچنین نکات مهمی خاطر نشان میشوند مانند اهمیت مبارزه مسلحانه، انتخاب محل، ضرورت یک حرکت جدی و تبادل نظر و تحقیق که به صورت مفیدی انجام گرفته بود. همه اینها نشان می دهد که یک عمل کورکورانه یا ماجراجویانه نبود:

ما نسلی بودیم آرمان خواه و آگاه، انقلابی و سازمان یافته. نسلی که به خاک مالیده شدن پوزه امپریالیسم آمریکا را در ویتنام دیده بود، شاهدخیزش انقلابی در دژهای امپریالیستی بود، قهرمانیهای خلق فلسطین را از نزدیک دنبال میکرد، او جنبشهای انقلابی آزادیبخش در سه قاره و پیشرویهای عظیم ساختمان سوسیالیسم در چین را در مقابل «سوسیالیسم» منحط و طاس کبابی شوروی تجربه کرده بود. نسلی که آگاهانه راه خود را انتخاب کرده و در طی انقلاب در سازمانهای انقلابی و کمونیستی متشکل شده بود.

این نکته نشان میدهد که رفقا وظیفه شناس بودند و با توجه به شکست نسل قبل، پیروزی کودتای ۲۸ مرداد، و تازه بودن پیروزی کاپیتالیسم در چین آنها را متوجه به وظایفی کرده بود که در مقابل آرمان هایشان داشتند. جای توجه است که چرا در کشوری که وظیفه شناسی به اندازه مثلا کشورهای غربی تبلیغ نمی شود، فرهنگ کمونیستی انسان را وظیفه شناس می کند. عبارت بعدی از کتاب این نکته را به خوبی توضیح میدهد:

اتحادیه کمونیستها يك جریان سیاسی پیشرو در جنبش نوین کمونیستی ایران بود. محصول تاثیرات انقلاب کبیرفرهنگی پرولتاریائی چین و مبارزات حاد مائو علیه رویزیونیستهای شوروی و در ضدیت بابیراهه های مسالمت آمیز و طرفدار انقلاب قهرآمیز توده ای بود. در صحنه داخلی نیز اتحادیه مرزروشنی با خطر فرمیستی و مسالمتجویانه حزب توده و جبهه ملی داشت. بر همین مینا اتحادیه توانسته بود رهبران و کادرهای کمونیست زیادیرا پرورش دهد، یعنی کسانی که قادر بودند مارکسیسم را بکار گیرند و تحلیل کنند و نقشه بریزند و بعنوان يك سازمان سراسری حرکت سیاسی طبقه کارگر را سازمان دهند. این هم واقعبینی است که اتحادیه جوان بود و چند سال از بنیانگذاریش نگذشته بود که با يك انقلاب بزرگ توده ای روبرو شد. آنهم در شرایطیکه به خاطر شکست چین، جنبش بین المللی کمونیستی با بحران روبرو گشته بود. جوانی و بیتجربگی اتحادیه و شرایط پیچیده انقلاب، مثلا همین مسئله که يك حکومت ارتجاعی از دل انقلاب بیرون آمده بود، نمیتوانست موجب اشتباهات معین نشود. هم در ارتباط با بر عهده گرفتن مسئولیت کلی رهبری انقلاب، هم در زمینه تحلیل و ارزیابی از نیروهای طبقاتی مختلف.

داشتن افق و آرمان‌رهای طبقه کارگر، برای مبارزه مسلحانه ضرورتش را در اینجا نشان می‌دهد که افکار آدمی را باز می‌کند و توجهش را به چیزهای مهم جلب می‌کند و با دلخوشی و رضایت خاطر وظایفش را انجام می‌دهد. هدف بزرگ انسانهای بزرگ را نیازمند است که برای همکاری پیشبرد اهداف مشترک تقسیم نیرو، فکری و جسمی، در یک سازمان به گرد یکدیگر می‌آیند و پیمان می‌بندند.

اینکه چکار می‌خواهیم بکنیم؟ اضطرابش هم صرفاً ناشی از طرح سؤال همیشگی «چه باید کرد؟» نبود بلکه هم‌زمان پاسخگویی به سؤال «از کجا باید آغاز کرد؟» هم در دستور کار گرفت.

جلوتر که می‌رویم می‌خوانیم که آمادگی سیاسی خلق مدّ نظر بوده است همچنین به کار گرفتن درست مسائل لجیستیکی و همچنین آماده ساختن بقیه رفقا به طور فشرده که نکات بسیار مهمی هستند؛ و از خصوصیت و قابلیت‌های کاری و اخلاقی رفقا نیز به نحو احسن استفاده شد:

بطور نمونه می‌توان روی رفیق مراد (سورنا درخشان) انگشت گذاشت که بار اصلی مسئولیت کارهای تدارکاتی را بر عهده داشت. خصوصیات انقلابی این رفیق، درایت و هشیارش، دقت و پشتکارش، نظم و انضباط بالایش، توانائیش در اتکاء به توده‌ها و سنتز نظرات صحیح دیگران، نقش مهمی در هدایت صحیح کارهای تدارکاتی پر مخاطره سریداران داشت.

بخش بعدی و اصلی کتاب در درجه اول جزئیات درگیریها را با دقتی نظیر توصیف می‌کند و کارهایی که رفقا کردند به شیوه دلنشینی توضیح داده می‌شود:

رفیق دیگری تنها به محاصره سه پاسدار افتاد اما از پس هر سه بر آمد. پاسداران به سمتش نارنجکی پرتاب کرده بودند اما او با خونسردی نارنجک را برداشت و به سمت خودشان انداخت و حسابشان را رسید. از آن پس پسوند محاصره به نامش اضافه شد.

نکته بعدی اشاره‌های مختلف در باره جنگ مسلحانه و تحلیل آن و ارتباط با مبارزه آنها است به تئوریهای مائو و همچنین قیام مشروطه و فرق بین قیام و جنگ اشاره میشود و خواننده باید با اینگونه ادبیات آشنا باشد وگرنه این قسمتها کمی خسته کننده خواهد بود. این نکته مورد تاکید قرار می‌گیرد که:

یک نیروی نظامی برای پیشبرد فعالیتهایش نیازمند نان و اطلاعات و گسترش نفراش است. منبع همه اینها توده‌های مردمند.

در جای دیگر می‌خوانیم که:

التقاط میان جنگ دراز مدت و قیام فوری. علت شکست نبرد آمل عمدتاً به این نکته ربط داده می‌شد و نتیجه عملی هم که گرفته می‌شد این بود که ما مبارزه مسلحانه مان را باید ادامه دهیم و آن را بر مبنای جنگ دراز مدت به پیش ببریم. که آن زمان نام جنگ مقاومت بر آن نهاده بودیم.

در واقع نگرش رفیق شهاب (سیامک ز عیم) ربط داشت به مدلی که سازمان و بطور مشخص خود وی سابقاً از آغاز و پیشرفت مبارزه مسلحانه داشت. اینکه تنها در وضعیت معینی که اکثریت مردم از لحاظ فکری و روحی آماده اند،

می‌توان از یک شهر یا یک منطقه مبارزه مسلحانه را آغاز کرد و به برخاستن توده یاری رساند. مدلی که در آن فرق چندانی میان شهر با منطقه روستائی و یا میان قیام مسلحانه شهری با مبارزه مسلحانه و جنگ انقلابی دراز مدت گذاشته نمی‌شد نکته جالب اینجاست این مدل هشت سال قبل از آن توسط وی در جزوه مارکسیست لنینیستها و مشی چریکی جلو گذاشته شده بود.

در این کتاب شرح کمونیست‌هایی که در این نبرد شرکت داشتند، تا آنجایی که امکان پذیر بوده است توضیح داده میشود برای مثال:

رفیق مرتضی از کمونیست‌های سرشناس شهر تنکابن بود. او در سال ۱۳۵۶ برای آشنائی با مواضع سازمان‌های کمونیستی به ایتالیا رفت.

نقشه‌هایی که در کتاب ترسیم شده‌اند نگاهی به تاکتیک نظامی در یک چشم بهم زدن است. البته به نقاط ضعف و همچنین علل شکست قیام و اشتباهات نیز به اندازه کافی در کتاب اشاره شده است. کاری که سطح بالای فکری و حرفه‌ای بودن را مشخص می‌کند نقطه نظری که ضامن پیروزیهای آینده خواهد بود و وفادار بودن به گذشته را بطور واقعی میسر میسازد. نقد خطاها و اشتباهات خود نیازمند شجاعت خاصی است.

در مورد پیوستن توده‌های محلی به صفوف خودمان تبلیغی نکردیم. چونکه برنامه خاصی در این زمینه نداشتیم. علت این مسئله در واقع بر میگشت به دید آنروزی ما از پروسه پیشرفت جنگ و اینکه سریعاً میخواستیم این جنگ را به شهر بکشانیم. دید روشنی از نقش دهقانان و کارگران ساکن در روستاها در جنگ و چگونگی ادغامشان در پروسه جنگ نداشتیم. مسئله‌ای که اساساً به زمان بیشتری نیاز است. درست است که طرح جدید بر گسترش نیروهایمان تاکید داشت اما هنوز خیلی چیزها روشن نبود. ماحتی از کارگران معدن نخواستیم که مواد منفجره معدن را در اختیار ما بگذارند. امری که براحتی امکان پذیر بود.

نکته آخر هم که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است آوردن متن اعلامیه‌ی نظامی سرداران است این کار بخوبی نشان میدهد که سرداران با خلق ایران در تماس بودند و از اهمیت روابط عمومی و اطلاع رسانی آگاه بودند.

بر این کتاب نقدی توسط یک تاریخنگار نوشته شده است. آن نقد خاطر نشان می‌کند که نویسندگان قضیه را یک طرفه نگاه کردند در جواب این نقد نیز پاسخی نوشته شده است که بهر این مبناست که در حقیقت کتابهایی که رژیم چاپ کرد یکطرفه بودند و بسیاری از اسناد و رفا با ضرباتی که خوردند از بین رفتند. در کشوری که مطبوعات آزاد وجود ندارد اتحادیه حداکثر تلاش خود را برای نگارش تاریخ کرده است. هر دو متن یعنی نقد و پاسخ آن در آرشیو حقیقت در تارنمای سرداران قابل دسترسی‌اند.

سرداران نشان دادند که انسان میتواند سرنوشت خود را بدست بگیرد و با فکر همکاری و تعهد کارهای بزرگی را انجام دهد. اهمیت این کتاب برای نسل‌های آینده اثبات این عقیده است که انسان باید فکر کند و چاره کند چرا که تاریخ نشان داده است که ما بیش از هر چیز به فکر و چاره نیازمندیم. در واقع بی اعتمادی به یک دولت یا قبول نکردن آن باید پیش درآمد عمل‌های آینده باشد در غیر این صورت به سرفروا آوردن میانجامد. نسل‌های جوان باید بدانند که تصمیم نگرفتن در هیچ شرایطی بهتر از تصمیم گرفتن نیست. در کشوری مانند ایران در مقابل دولتهای ارتجاعی حاکم نیاز به مبارزه قهر آمیز همیشه بوده و خواهد بود؛ آگاه بودن به این امر و شناخت علمی داشتن از آن و چگونگی استفاده از این شیوه مبارزه برای جوانان بسیار بار ارزش است. بخاطر اینکه راه مسالمت آمیز همیشه چاره نیست و فقط به ظاهر آسانتر است. زیرا موجب شکست و خونریزی بیشتر از تن مردم می‌شود. تبلیغ مبارزه بدون خشونت نباید جنبه فریب کاری بگیرد و آشنا کردن مردم با ضرورت مبارزه قهرآمیز باید با مسولیت باشد. انتخاب به عهده انسان‌های وظیفه شناس است.

رفقای سردار تلاش کردند تا آن بلایی که بر سر مردم ایران طی ۲۸ سال گذشته آمده صورت تحقق نگیرد. هر چند آن رفا شکست خوردند اما مبارزه شان درسهای مهمی از خود به جای

گذاشت. کتاب «پرنده نوپرواز» تاریخ را نوشت و خود زندگی جدیدی را در پیش گرفت. زنده باد
رفقایی که ماندند تا حقیقت را بازگو کنند.

عبارات ایتالیک از متن کتاب «پرنده نوپرواز» است که در تارنمای سرداران قابل دسترس
www.sarbedaran.org است.

بهمن ۱۳۸۸

+++++

برچیده تبرستان از:

<http://www.sarbedaran.org/archives/etelaiye/negahi-be-noprwaz.htm>